

نقد و بررسی مباحث تاریخی نامه 36 در ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه

دکتر محمد علی جلونگر*

علی اکبر عباسی**

چکیده:

غارتگری‌های سرداران معاویه در قلمرو حکومتی حضرت امیر با تهاجم ضحاک بن قیس آغاز شد و با کشتارهای بَسر بن اراطه پایان یافت. با بررسی و تجزیه و تحلیل سخنان و بیانات امیر مؤمنان در نامه 36 و مراجعه به منابع متقدم می‌توان دریافت که این نامه در جواب نامه برادر علی، عقیل نوشته شده و در باره غارتگری سردار معاویه، ضحاک بن قیس فهری به قلمرو حکومتی امام در سال 38 هجری است. شواهد و قراین و تحلیل مباحث نامه 36 حاکی از آن است که مباحث نامه نمی‌تواند به ماجرای غارت بَسر بن اراطه بر یمن در سال چهل هجری مربوط باشد. درگیر شدن سپاه امام با لشکریان ضحاک و درگیر نشدن سپاهیان آن حضرت با نیروهای بَسر در جریان حمله و غارت او، همچنین شهادت امام همزمان با اواخر حمله بَسر و زنده بودن امام و نامه نگاشتن ایشان پس از حمله ضحاک از جمله دلایل مربوط بودن نامه به ماجرای ضحاک و نه بَسر است.

کلید واژه‌ها: امام علی، غارت، ضحاک بن قیس فهری، بَسر بن اراطه، نامه 36 نهج البلاغه.

درآمد

نهج البلاغه بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی است که بیشتر در دوران پر حادثه خلافت ایشان ایراد گردیده و یا نوشته شده است. در بین خطبه‌ها و نامه‌ها و حتی کلمات قصار مواردی پیدا می‌شود که تمام خطبه و یا کل نامه توسط گردآورنده این کتاب شریف جمع آوری نشده است. یک نمونه از آنها، نامه 36 نهج البلاغه است که نیمی از آن در نهج البلاغه گردآوری شده است. نام نامه 36

نهج البلاغه، نامه امام به برادرشان عقیل بن ابی‌طالب بود که در آن، از درگیری سپاه علی با سپاهیان دشمن سخن رفته و پس از آن، امام از قریش شکوه نموده که طوایف مختلفش با هم بر ضد

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

** دانشجوی دکتری تاریخ.

ایشان هماهنگ شده‌اند. در ادامه هم، امام از قاطعیت خویش در برابر دشمنان با وجود پراکندگی کوفیان و رشد بی‌تفاوتی در بین آنان یاد نموده است. با توجه به این که نیمه اول نامه در این کتاب شریف نیست، ابهاماتی در باره دلیل نوشته شدن نامه و ماجراهای مربوط به آن و شخصیت‌های مد نظر امام در نامه مطرح است. به راستی چه کسی از دشمنان امام در این نامه مدنظر ایشان است و آن حضرت در باره کدام سردار معاویه در نامه صحبت کرده‌است؟

در این مقاله سعی شده با بررسی شواهد و قراین و مراجعه به منابع متقدم، مباحث تاریخی نامه ۳۶ *نهج البلاغه* و شخصیت‌های مد نظر امام در این نامه و سخنان آن بزرگوار در باره قریش و مردم کوفه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

از پیشامدهای دردناک دوران حکومت امیر المومنین آشفتگی‌هایی است که سرداران معاویه، پس از نهروان، در قلمرو حکومتی حضرت علی انجام می‌دادند. آن حضرت تقریباً نزدیک به نیمی از دوران امارتش را با این معضل مواجه بود و کوفیان به سرعتی که لازم بود، جواب این غارتگری‌ها را نمی‌دادند. اخلاص‌های سرداران سفاک و خونریز معاویه نیز روندی تدریجی و رو به گسترش از آغاز سال ۳۸ تا سال چهل هجری داشت. انعکاس این حملات و شدت و ضعف آن در خطبه‌ها و نامه‌های علی منعکس شده است. یکی از این نامه‌ها نامه ۳۶ است.

زمینه‌های غارتگری سرداران معاویه در قلمرو حکومتی امام

امام در این نامه از دو موضوع به عنوان زمینه‌های ایجاد این غارتگری‌ها و ناامنی‌ها یاد نموده است: اول، هماهنگی قریش بر ضد آن حضرت و دوم، پراکندگی کوفیان و بی‌تفاوت بودن مردم کوفه نسبت به اوامر حضرت امیر. علی در جاهایی به کارشکنی‌های قریش و نقش اصلی آنها در دوری امام از خلافت اشاره می‌نماید.^۱ قریشیان پیامبر را نیز بسیار آزرده و از مکه بیرون کردند؛ در مدینه جنگ‌های زیادی بر آن حضرت تحمیل نمودند. آنان مغرور بودند؛ دیگران به حکومت آنان راضی بودند، اما آنها تسلیم حکم دیگران نمی‌شدند.^۲ سایر عرب‌ها چشم به دهان قریش داشتند و طوایف قریش با هم بر ضد امام علی هماهنگ بودند. این هماهنگی قبل از خلافت علی بود و به دوران خلافت ایشان هم کشیده شد. ابن ابی الحدید در این باره می‌نویسد:

دلیل این که بعضی از مردم در صفین به دنبال عمار بودند، تا طرف حق را بشناسند و در این مورد به احادیث پیامبر در باره عمار استناد می‌نمودند و روایات مهم‌تر و بیشتر از آن را در باره علی نمی‌دانستند، این است که تمام طوایف قریش، با تمام توان، بعد از رحلت پیامبر سعی نمودند، فضایل و خصایص علی را از زبان پیامبر پوشیده نگه‌دارند.^۳

دوم، پراکندگی مردم کوفه بود. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌تفاوت شدن کوفیان نسبت به جهاد با معاویه و پراکندگی آنان، رشد اندیشه قاعدین در بینشان بود؛ تفکری که کشتارهای داخلی

۱. *نهج البلاغه*، خطبه ۲۱۷.

۲. *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۲۰۵.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۷-۱۷.

جهان اسلام را محکوم می‌نمود. طرفداران این تفکر احادیثی را در این باره از پیامبر، بدین مضمون، که نباید با اهل قبله جنگید نقل می‌کردند.^۴ این سخنان از سوی شخصیت‌های بانفوذی چون سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن عمر، محمد بن مسلمه و اسامة بن زید نقل می‌شد. شعارهای آنها به ظاهر فریبنده بود، اما راه حلی را برای حل یاغی‌گری‌ها ارائه نمی‌دادند. تفکر آنان قبل از صفین جایی برای عرض‌اندام در کوفه نداشت و اربد فزاری - که با فراخوانی مردم به جهاد با گستاخی مخالفت نمود - توسط مردم کوفه به قتل رسید؛^۵ اما ولی بعد از کشتار صفین، این اندیشه در بین بسیاری از کوفیان رسوخ کرد و باعث بی‌تفاوتی آنان نسبت به جهاد با معاویه گردید تا جایی که بر اساس این طرز فکر، ابوموسی را انتخاب نمودند و می‌گفتند او بود که ما را از آنچه بر سرمان آمد، بر حذر داشت.^۶ این بی‌تفاوتی‌ها معاویه را گستاخ نمود تا دست به غارتگری‌هایی در قلمرو امام علی بزند. البته شهادت سرداران با نفوذی چون مالک اشتر نخعی، عمار یاسر مذحجی، هاشم مرقال و زید بن صوحان عبدی زمینه را برای جسارت یاران معاویه در دست زدن به این اقدامات فراهم می‌نمود.

در باره نامه ۳۶

نامه ۳۶ *نهج البلاغه* از آن دسته نامه‌های امیر مؤمنان است که به طور کامل توسط سید رضی جمع‌آوری نشده و تنها بخشی از آن در *نهج البلاغه* موجود است. این مسأله باعث شده تا در ابتدای نامه ضماری مطرح شود که شارحان و مترجمان محترم این کتاب شریف در توضیحات و تعلیقات مربوط به آن دچار اشتباه شوند؛ در حالی که با بررسی متن نامه و تحلیل جملات و بیانات امام و تدبیر در منابع متقدم‌تر از نهج البلاغه - که متن کامل نامه در آن کتاب‌ها ذکر شده - می‌توان حقیقت موضوع و شخصیت‌های اصلی مورد بحث در نامه حضرت امیر را شناخت.

مترجمان و شارحان و نامه 36

در ترجمه‌ها بیشتر به این نکته اشاره شده که شخص مورد نظر علی در ابتدای نامه، بسر بن ارطاه است و یا در بعضی ترجمه‌ها از شخص مورد نظر یاد نشده است. در این نامه در *نهج البلاغه* به نام شخص مورد نظر تصریح نشده و در همان ابتدای نامه ذکر شده است که: «فسرحت الیه جیشاً کثیفاً من المسلمین».^۷ در یکی از ترجمه‌ها در تعلیقات نامه ۳۶ در باره شخص مورد اشاره امام آمده است:

بسر پسر ارطاه که به دستور معاویه به یمن غارت برد.^۸

مترجمی دیگر در باره علت نگارش نامه می‌نویسد:

عقیل به امیر مؤمنان نوشته بود که یاران امام با من یاری نکردند و دشمن پیروز گردید.^۹

۴. اخبار الطوال، ص ۱۴۳.

۵. وقعة الصفین، ص ۹۴.

۶. همان، ص ۴۹۹.

۷. نهج البلاغه: ص ۱۱۰.

۸. نهج البلاغه (شهیدی)، ص ۱۱۰.

۹. نهج البلاغه (مبشری)، ص ۴۱۴.

و از این که متن نامه و بحث امام در باره کدام سردار معاویه است، سخنی به میان نمی‌آورد. در ترجمه‌ای دیگر از نهج البلاغه نیز می‌بینیم: «علی سپاهی به سوی خصم فرستاده بود»^{۱۰} و این که منظور علی کدام خصم است، هیچ اشاره ای ندارد. در یکی از ترجمه‌های معروف و قدیمی هم در باره ضمیر «او» در نامه در داخل پرانتز کلمه دشمن نوشته شده است؛^{۱۱} در حالی که سخن، توضیح و تعلیقی در باره شخص و یا افراد مورد نظر امام و مصداق ضمیر ذکر شده در نامه ندارد. یکی از تصحیح‌کنندگان این کتاب شریف نیز با این که در باره این نامه کوتاه، در بخش توضیحات از شماره ۳۷۷۳ تا ۳۷۹۶ بحث نمود و توضیحات لغوی لازم را ذکر کرده،^{۱۲} از بیان دشمن مورد نظر امام و نام و نسبش خودداری کرده است. مترجمی دیگر، در ترجمه این فراز از نامه ۳۶ نهج البلاغه و سخنان امام و در توضیح مقدماتی نامه می‌نویسد:

این نامه پاسخ نامه‌ای است که عقیل به آن حضرت نگاشته بود، و در باره سپاهی که آن حضرت به سوی برخی از دشمنان فرستاده بودند.^{۱۳}

یکی دیگر از مترجمان این کتاب گرانقدر در باره این نامه می‌نویسد:

پاسخی به نامه عقیل در جریان اعزام لشکری در یکی از پیکارها.^{۱۴}

در نهج البلاغه یکی معاصران عرب نیز اشاره‌ای به نام کسانی که علی لشکر را به سر وقت آنان فرستاده، نشده است.^{۱۵} در ترجمه یکی از دیگر بزرگان از این کتاب شریف در ابتدای نامه آمده است:

لشکری که به سوی بعضی از دشمنان فرستاد.^{۱۶}

در ترجمه دو تن از محققین هم به شخصیت‌های مورد بحث امام در نامه ۳۶ اشاره‌ای نشده است.^{۱۷} یکی دیگر از مترجمین معروف در ترجمه روان خویش بر نهج البلاغه و در پاورقی نامه ۳۶ اشاره می‌نماید که منظور امام بسر بن ابی‌ارطاه است که به یمن تاخته بود.^{۱۸} در ترجمه‌ای دیگر هم به شخصیت مورد نظر امام در نامه اشاره‌ای نشده، ولی زمان نگارش نامه را، به اشتباه، سال ۳۹ هجری ذکر نموده است؛^{۱۹} در حالی که غارت و حمله ضحاک بن قیس بلافاصله پس از نبرد نهروان بود^{۲۰} و جنگ نهروان در اواخر سال سی و هفت هجری بود^{۲۱} و مدتی طولانی پس از تهاجم ضحاک غارتگران شامی بر قلمرو حکومتی

۱۰. نهج البلاغه (مقیمی)، ص ۹۹۹.

۱۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص ۹۴۸.

۱۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۶۸۸ - ۶۸۹.

۱۳. نهج البلاغه (انصاری)، ص ۸۶۲.

۱۴. نهج البلاغه (معادیخواه)، ص ۳۳۶.

۱۵. نهج البلاغه (محمدعبد)، ص ۵۴۷.

۱۶. نهج البلاغه (جعفری)، ص ۸۹۹.

۱۷. نهج البلاغه (امامی و آشتیانی)، ص ۶۳۹ - ۶۴۰.

۱۸. نهج البلاغه (آیتی)، ص ۶۷۷.

۱۹. نهج البلاغه (عابدینی)، ص ۳۵۰.

۲۰. الغارات، ص ۴۱۹ - ۴۲۱.

۲۱. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۷۲.

علی حمله می‌نمودند و تا شهادت حضرت امیر این ویرانگری‌ها ادامه داشت. ممکن است این گونه تصور شود که سه جنگ جمل، صفین و نهروان از ابتدا تا تقریباً انتهای دوران خلافت علی را در بر گرفته است؛ در حالی که علی ترک جنگ با سرکشان را حتی یک لحظه به صلاح نمی‌دانست و حتی نجنگیدن با فتنه انگیزان را معادل دوزخی شدن و کافر شدن نسبت به دین محمد می‌دانست.^{۲۲} و حتی زمانی که بیمار بود، اصرار بر جمع آوری سپاه برای جهاد با معاویه داشت. و زمانی که نمی‌توانست با خطبه خواندن مردم را به این کار وادار کند، با نوشتن مباحثی در این باره و دستور در باره خوانده شدنش سعی نمود مردم را به جنگ با معاویه برانگیزد.^{۲۳} و تمام نبردها مربوط به سال‌های ۳۶ و ۳۷ و ابتدای ۳۸ بود. اگر بین جمل و صفین فاصله افتاد، به دلیل نامه‌نگاری با معاویه و امید امام به پیوستن شامیان به جماعت مسلمانان بود. بین صفین و نهروان هم پیمان‌نامه حکمیت کمتر از یک سال و از صفر سال ۳۷ تا رمضان همان سال بود^{۲۴} و قبل از اتمام مهلت صلح و به محض این که پیمان‌نامه شکسته شد و عمرو و ابوموسی بر اساس قرآن حکم نکردند، امام آماده عزیمت به شام گردید که در نهایت امر، با همین لشکر به جنگ خوارج رفت.^{۲۵} در نیمه دوم سال ۳۸ و سال‌های ۳۹ و ۴۰ حضرت امیر مواجه با حملات غارتگران شامی بود که نمود آن را در بعضی از خطبه‌ها و نامه‌های امام - که مربوط به این دوران است - می‌توان دید.^{۲۶} در ترجمه‌ای جدیدتر از *نهج البلاغه* و در متن ترجمه و داخل پراتز، شخصیت مورد نظر امام در این نامه بسر بن ارقطه ذکر شده است.^{۲۷} یکی از ترجمه‌هایی - که بارها هم به چاپ رسیده - در باره شخصیت‌های مد نظر امیر المؤمنین در این نامه هیچ بحثی را در ترجمه خویش مطرح نکرده است.^{۲۸} در شرح و توضیح چهار جلدی *نهج البلاغه* اثر آیه الله شیرازی مباحث تاریخی مطرح نشده^{۲۹} و طبعاً بحثی در باره لشکر امام و سرداران معاویه و سرداران امام مطرح نشده است. در یکی از ترجمه‌های قدیمی و تاریخی *نهج البلاغه* - که توسط عزیز الله جوینی تصحیح و به چاپ رسیده - نیز شرح تاریخی و یا حداقل اشاره‌ای به موضوع تاریخی نامه ۳۶ نشده است.^{۳۰} برخی از ترجمه‌های *نهج البلاغه* هم فاقد تعلیقات است.^{۳۱} در بعضی از ترجمه‌های *نهج البلاغه* با وجود داشتن تعلیقات ضمایر و شخصیت‌های مطرح در این نامه بی‌توضیح رها شده است.^{۳۲} در یکی از ترجمه‌ها کار ترجمه بدون ذکر شماره نامه‌ها و بیان تعلیقات و بدون اشاره به مباحث تاریخی انجام شده

۲۲. نبرد جمل، ص ۲۴؛ *اخبار الطوال*، ص ۱۸۸.

۲۳. *اخبار الطوال*، ص ۲۱۶.

۲۴. *وقعة الصفین*، ص ۵۲۱.

۲۵. *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲۶. مثل خطبه‌های ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۵۶، ۱۱۹.

۲۷. *نهج البلاغه* (زمانی)، ص ۷۲۸.

۲۸. *نهج البلاغه* (فارسی)، ص ۳۹۰ - ۳۹۱.

۲۹. *نهج البلاغه* (حسینی شیرازی)، ص ۹۵ - ۹۷.

۳۰. *نهج البلاغه* (جوینی)، ص ۲۷۹ - ۲۸۱.

۳۱. *نهج البلاغه* (شریعتی)، ص ۷۰۸ - ۷۰۹.

۳۲. *نهج البلاغه* (کاسب)، ص ۲۵۸.

است.^{۳۳} بعضی از ترجمه‌ها با وجود روانی کلام و نثر مترجم، مثل بیشتر ترجمه‌ها اشاره به شخصیت‌های مطرح در نامه ندارد.^{۳۴} در ترجمه‌ای هم عنوان شده که لشکر امام در برخورد با دشمن کوتاهی کردند که چنین نیست و چنان که ذکر خواهد شد، پس از اعزام لشکر و بر اساس متن نامه سپاهیان امام وظیفه خود را به خوبی انجام دادند. بعدها ضحاک بن قیس فهری از سرسختی برخی از آنها تعجب و آن را برای بعضی از کوفیان بیان می‌کرد؛^{۳۵} ضمن این که مترجم محترم مباحث تاریخی و توضیح در باره شخصیت مطرح شده در نامه و نامشان را مطرح نمی‌کند.^{۳۶}

یکی از مترجمین نام آشنای *نهیج البلاغه* - که ترجمه‌اش نیز بارها به چاپ رسیده است - در متن ترجمه فارسی نامه اشاره دارد که امام نامه را به عقیل و در باره لشکرکشی برای مقابله با غارتگری بسر بن اراطه نگاشته است و در باره زمان نگارش نامه نیز سخن از سال سی و نه در میان است؛^{۳۷} در حالی که در متن عربی نامه کلمه بسر بن اراطه نیست. حمله ضحاک نیز مربوط به سال سی و هشت و تهاجم بسر و ویرانگری‌هایش مربوط به سال چهلم بوده و شواهد آن در ادامه ارائه خواهد شد. در یکی از ترجمه‌های جدیدتر *نهیج البلاغه* هم اشاره شده که منظور امام بسر بن اراطه است.^{۳۸} در *نهیج البلاغه* منظوم، به قلم محمد حسین سلطانی، نیز منظور امام در پاورقی بسر بن اراطه ذکر شده است.^{۳۹}

در برخی از شرح‌ها نیز به اشتباه زمان نوشته شدن نامه علی را مربوط به بعد از حمله و غارت بسر بن اراطه دانسته‌اند. در شرح ابن ابی‌الحدید و در توضیحات مربوط به این نامه اشاره شده که منظور امام از دشمن بسر است؛^{۴۰} در حالی که همین مؤلف متن کامل نامه امام را - که مربوط به حمله ضحاک است - با ذکر نام این سردار معاویه در شرح خطبه ۲۹ آورده است.^{۴۱} در شرح یکی دیگر از شارحین نهج البلاغه، در قرن هفتم، توضیحی در باره شخص مورد نظر امام ارائه نشده است. ابن میثم بحرانی در باره این نامه می‌نویسد: «حکایت حال عدو و قد اغار علی بعض عماله فنقد الیه جیشاً من المسلمین...»^{۴۲}. یکی دیگر از شارحین نیز احتمال داده است که نامه پس از حمله بسر نوشته شده باشد: «...و یحتمل ان یكون هذا ناظر الی اغار بسر بن اراطة علی نواحي جزيرة العرب من الحجاز و الیمن و الیمامة و...»^{۴۳}.

شکی نیست که این نامه زمانی نگاشته شده است که سواران معاویه تحت فرماندهی سرداران بی‌رحم او در گوشه و کنار قلمرو حکومتی علی غارتگری‌هایی را انجام می‌دادند. انگیزه این غارتگری‌ها

۳۳. *نهیج البلاغه* (شاهین)، ص ۶۷۵
 ۳۴. *نهیج البلاغه* (بهشتی)، ص ۲۲.
 ۳۵. الغارات، ج ۲، ص ۲۳۸ - ۲۳۹.
 ۳۶. *نهیج البلاغه* (عمادزاده)، ص ۹۹۷ - ۹۹۸.
 ۳۷. *نهیج البلاغه* (دشتی)، ص ۳۸۶.
 ۳۸. *نهیج البلاغه* (شیروانی)، ص ۴۸۶.
 ۳۹. *نهیج البلاغه* (سلطانی)، ص ۶۱۵.
 ۴۰. شرح *نهیج البلاغه* (ابن ابی‌الحدید)، ج ۱۶، ص ۱۴۹.
 ۴۱. همان، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.
 ۴۲. شرح *نهیج البلاغه* (ابن میثم بحرانی)، ج ۵، ص ۷۸.
 ۴۳. شرح *نهیج البلاغه* (خوئی)، ج ۲، ص ۵۹.

و آدم کشی‌ها تزلزل موقعیت و حکومت ابوالحسن و تثبیت قدرت و حکومت معاویه بود. زمان شروع این حملات و غارت‌ها نیز پس از اعلام رأی حکمین و پس از نبرد نهروان بود که یاران علی جهت عزیمت به شام با آن امام همام هماهنگ نبودند.^{۴۴} سرپیچی یاران حضرت امیر از دستورات آن حضرت زمینه را برای غارتگری سرداران معاویه فراهم می‌نمود. این غارتگری‌ها از ضحاک شروع و به بسر ختم گردید. در واقع، غارت و حمله ضحاک بلافاصله پس از پیکار نهروان بود و هجوم بسر آخرین غارتگری در زمان خلافت امام علی بود و هنوز این ماجرا به پایان نرسیده بود که امام علی به شهادت رسید و فرزندش امام حسن به خلافت نشست. خطبه‌های ۲۵ و ۱۱۹ امام علی در باره تهاجم بسر ایراد شده و در متن خطبه ۲۵ هم به اسم بسر اشاره شده است.^{۴۵} حمله بسر در زمانی انجام شد که نافرمانی کوفیان از حضرت علی به اوج خود رسیده بود و جملات و سخنان علی حاکی از این مهم است.^{۴۶} اما حمله ضحاک بن قیس در زمانی انجام شد که یاران امام و سپاهیان کوفی بهتر از ایشان تبعیت می‌کردند؛ هرچند که سستی‌ها و بی‌تفاوتی‌هایشان شروع شده بود. آشفتگی‌ها و غارتگری‌های ایجاد شده توسط سپاهیان و سرداران معاویه مدتی طولانی از حدود اواسط تا اواخر دوران خلافت امام علی در جریان بود و در شروع این تهاجمات کوفیان هماهنگی بیشتری برای مقابله با غارتگران از خود نشان می‌دادند. در متن *الغارات* ذکر عنوان خبر غارت ضحاک با کلمه هزیمته همراه است.^{۴۷} خطبه‌های امام نیز در جریان این تهاجمات و در نكوهش کوفیان مثل خطبه‌های حملات پایانی آتشین نیست. در متن *الفتوح* ابن اعثم، غارت ضحاک در ابتدای غارات ذکر شده است. منابع دیگری هم که به غارات پرداخته‌اند، غارت ضحاک را نخستین حمله در این رابطه می‌دانند.^{۴۸}

دلایل مربوط بودن نامه 36 به حمله ضحاک بن قیس فهری

الف) ذکر نام ضحاک در نامه امام در منابع

متن نامه ۳۶ و شواهد و قراین و بررسی منابع حاکی از آن است که این نامه پس از حمله و غارت ضحاک بن قیس بر اطراف کوفه و مقابله نمودن فوری کوفیان با ضحاک و نگرانی علی نوشته شد. نام ضحاک هم در نامه عقیل و هم در نامه علی ذکر شده است. عقیل - که از بی وفایی کوفیان نگران شده بود - در نامه‌ای به آن حضرت گفت که «...چون به مکه رسیدم، شنیدم مردم مکه می‌گویند که ضحاک بن قیس به حیره غارت برده و هر چه از اموال خواسته با خود برده است و به سلامت بازگشته است، اف بر این زندگی در این روزگار که ضحاک بتواند به تو گستاخی کند. ضحاک چیست! کمایی خودرو در دشتی هموار. و چون این خبر به من رسید، چنین پنداشتم که گویا یاران تو از یاری دادنت خودداری کرده‌اند. اکنون ای پسر مادرم، تصمیم خود را برای من بنویس! اگر آهنگ کشته شدن داری، برادرزادگان

۴۴. *الغارات*، ج ۲، ص ۴۱۸ - ۴۲۰.

۴۵. *نهج البلاغه* (شهیدی)، ص ۲۵ و ۱۱۷.

۴۶. همان، ص ۲۵.

۴۷. *الغارات*، ج ۲، ص ۴۱۶ - ۴۴۱؛ *الفتوح*، ج ۳، ص ۲۲۰.

۴۸. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۳۷.

و فرزندان پدرت را پیش تو آورم...»^{۴۹} جواب نامه علی به عقیل تقریباً دو صفحه است که سید رضی کمتر از نصف آن را جمع آوری و در *نهج البلاغه* آورده است و به دلیل این که از وسط نامه تا پایان آن ذکر شده، ضمائم مطرح در خط اول نامه در *نهج البلاغه* نامفهوم است. در منابعی که کل نامه آمده، حقیقت امر روشن و کاملاً واضح است که امام نامه را در باره ضحاک بن قیس و شکست دادن سپاهیان غارتگرش نگاشته است. نام منطقه‌ای که ضحاک غارت برد، قطقطانه و ثعلبیه بود.^{۵۰} در نامه علی هم به نام ضحاک اشاره شده و ایشان نوشته است:

آنچه در مورد غارت بردن ضحاک بر مردم حیره نوشته بودی، او کوچک‌تر از آن است که بتواند به حیره نزدیک شود، او با گروهی اسب سوار پیش آمده بود و آهنگ راه سماوه کرده بود و از واقعه و شراف و قطقطانه و آن نواحی گذشته بود و من لشگری گران از مسلمانان را به سوی او گسیل داشتم...^{۵۱}

شروع نامه امام در *نهج البلاغه* با جمله لشکری انبوه از مسلمانان را به سوی او گسیل داشتم است.

(ب) مطابقت ماجراهای حمله ضحاک با سخنان امام در نامه

ماجراهای حمله و غارت ضحاک با آنچه که در نامه امیر مؤمنان در باره لشکر دشمن ذکر فرموده، دقیقاً مطابقت دارد. در این نامه امام می‌فرماید:

... فلحقوه ببعض الطريق و قد طفلت الشمس للاياب فاقتلو شيناً كلالاً، فما كان إلا كموقف ساعة حتي نجا جريضاً بعد ما أخذ منه بالمخنق و لم يبق منه غير الرمي. فلا يا بلای ما نجا...^{۵۲}

برای مقابله با کشتارهای ضحاک امام علی مردم کوفه را فراخواند که سستی کردند. امام خطبه‌ای در نکوهش آنان خواند در نهایت، پس از مدتی درنگ، تعدادی از کوفیان - که حدوداً چهار هزار نفر بودند -^{۵۳} برای جهاد و مقابله با ضحاک آماده شدند که علی حجر بن عدی را به فرماندهی آنان انتخاب کرد^{۵۴} و حجر موفق شد به ضحاک - که در حال فرار به سمت شام و قلمرو معاویه بود - رسیده و وی را شکست دهد. در این درگیری یاران ضحاک و سپاهیان حجر نزدیک غروب آفتاب درگیر شدند و از یاران حجر دو تن به نام‌های عبدالله و عبدالرحمن فرزندان حوزه ازدی^{۵۵} و از نیروهای ضحاک نوزده و یا هفده تن کشته شدند.^{۵۶} ضحاک پس از آن، در برگشت به شام - که با گریز شبانه و پس از آن گم شدن در

۴۹. *الغارات*، ج ۲، ص ۴۳۰.

۵۰. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۳۸.

۵۱. *الغارات*، ج ۲، ص ۴۳۱ - ۴۳۲.

۵۲. *نهج البلاغه* (شهیدی)، ص ۱۱۰.

۵۳. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۳۸: *نهایة الارب*، ج ۲۰، ص ۲۵۵.

۵۴. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۲۵: *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۱۹۶: *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۱۳۵؛ *الکامل*، ج ۳، ص ۳۷۷.

۵۵. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۳۸: در طبری فقط ذکر دو تن بون نام بردن از نامشان، رک: *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۱۳۵.

۵۶. *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۴۳۷: مقایسه شود با *الفتوح*، ج ۳، ص ۲۲۰ و نیز *تاریخ الطبری*، ج ۵، ص ۱۳۵: *تاریخ‌نامه طبری*، ج ۴، ص ۶۶۷.

روزهای بعد انجام گرفت - دچار گرفتاری و تشنگی شد و نزدیک بود که هلاک شود - که با رسیدن به گروهی از مردم در کنار آبی از مرگ نجات یافت.^{۵۷} این گرفتاری ضحاک که در برگشت از یارانش جدا افتاده بود و با دردسرهای جدی مواجه شد و در نهایت جان، به در بردنش و رسیدن وی به نزد معاویه -^{۵۸} در نامه امام هم ذکر شده است.

این نامه نمی‌تواند پس از حمله و غارت بسر بن اوطاه بر یمن نوشته شده باشد؛ زیرا با حوادثی که برای بسر اتفاق افتاد، هماهنگی ندارد. بسر در سال چهارم هجری بر سرزمین‌های تحت حکومت امام حجاز و یمن حمله برد؛ امام در خطبه‌هایی که در جریان حمله بسر ایراد نمود، نکوهش بیشتری متوجه مردم کوفه نمود به دلیل این که آنان نسبت به زمان حمله ضحاک در سال ۳۸ هجری بی تفاوت‌تر شده بودند و پاسخ مساعدی نمی‌دادند و مدت زمانی طولانی لشکر برای مقابله به اقدامات بسر فراهم نمی‌شد، تا جایی که بسر سر تا سر حجاز را در نوردید و به یمن رسید و امام در خطبه‌ای فرمود: شنیده‌ام که بسر به یمن در آمده است، همانا می‌بینم که این مردم به شما چیره می‌شوند که آنان در باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پریش آنان با امام خود کار به امانت می‌کنند و شما کار به خیانت...»^{۵۹}.

زمانی که بسیار دیر شده بود، فقط حدود دو هزار نفر برای تعقیب و جنگ با بسر آماده شدند و امام جا ریه بن قدامه را بر رأس دو هزار نفر به تعقیب بسر فرستاد.^{۶۰} و پس از آن نیز گروهی دیگر را به فرماندهی وهب بن مسعود به همین مأموریت اعزام نمود.^{۶۱} جاریه به تعقیب بسر پرداخت و توانست وی را از قلمرو و حوزه حکومتی علی بیرون براند، ولی هیچ‌گاه به وی نرسید و نتوانست وی را به دام اندازد. بسر بدون هیچ‌گونه درگیری توانست سالم به قلمرو معاویه فرار کند. وهب بن مسعود خشمی نیز به بسر نرسید و به هیچ‌یک از یاران او دست نیافت.^{۶۲} بسر در برگشت، خطاب به معاویه گفت که بدون حتی یک تن تلفات برگشتم:

...انی سرت فی هذا الجیش اقتل عدوك ذاهباً جائياً لم ینکب رجل منهم نكبه...^{۶۳}

وی انسان‌های بسیاری را کشت، خانه‌های بسیاری را سوزاند و مردم شهرهای بسیاری را تهدید کرد. اشعاری در باره کشتارها و غارت‌های وی سروده شده است.^{۶۴} تعداد کشته‌های سپاهیان وی را سی هزار

۵۷. الغارات، ج ۲، ص ۴۴۱.

۵۸. همان، ص ۳۴۰.

۵۹. نهج البلاغه (شهیدی)، ص ۲۵.

۶۰. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۵۵.

۶۲. همان، ص ۴۵۸.

۶۳. الغارات، ج ۲، ص ۶۳۹؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۲، ص ۱۷.

۶۴. شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۲، ص ۱۱.

تن نوشته‌اند.^{۶۵} از جمله کشته‌های بسر دو کودک عبیدالله بن عباس حاکم علی بر یمن بود که مادرشان در رئای آنها همیشه مویه و زاری می‌نمود و چنین سرود:^{۶۶}

ها(یا) من احس بنی اللذین هما کا لورتین تشظا عنهما الصدف
 آی چه کسی از دو پسر من که همچون دو مروارید از صدف جدا مانده‌اند خبر دارد؟

و در بیت چهارم به اسم بسر و باور نکردن این خبر هول انگیز نیز اشاره می‌نماید:

نبنت بسرا و ما صدقت ما ز عمو من قولهم و من الافک الذی اقترفوا
 خبری از بسر به من رسیده که چه کرده، در حالی که من گفته‌ها و دروغ‌های آنان را باور نکردم

ج) شهادت حضرت امیر در جریان غارت بسر

هنوز جا ریه بن قدامه فرمانده اعزامی علی برای تعقیب بسر برنگشته بود که امام به شهادت رسید و مردم مکه خطاب به جاریه می‌گفتند: «علی کشته شده، با تو برای چه کسی بیعت کنیم».^{۶۷} و مردم مدینه به نیابت از امام حسن با جاریه بیعت کردند.^{۶۸} علی بعد از غارت بسر زنده نبود که عقیل به ایشان نامه‌ای بنویسد و ایشان هم جواب دهد و سپاه امام برای مقابله با بسر بسیار دیر آماده شد که امام متعاقب آن در خطبه فرمود: «کاش مرا هزار سوار از بنو فراس بن غنم بود که تا ایشان را می‌خواندی، سوارانی از ایشان نزد تو می‌آمدند تا زنده چون ابر تابستانی».^{۶۹} و سپاه جاریه با نیروهای بسر هیچ‌گاه درگیر نشد که صحبت از جنگ با لشکریان شام در هنگام غروب باشد و خود بسر هم دچار گرفتاری و تشنگی نشد. بنا بر این، این نامه نمی‌تواند در باره ماجرای غارت بسر بن اراطه نوشته شده باشد و مربوط به غارت ضحاک بن قیس فهری است. ضحاک اولین سردار مورد اعتماد معاویه بود که درخواست وی برای غارتگری را پذیرفت. پس از این که در شام شایع شد که علی همراه مردم عراق عازم شام است، به دستور معاویه شامیان برای مقابله جمع شدند و در باره محل نبرد به تبادل نظر پرداختند، اما کمی بعد، خبری جدید آمد که قاریان سپاه علی بر ضد او خروج کردند و او ناچار به ایشان پرداخت و پس از پایان نبرد نهروان کوفیان نظرش را در باره نبرد با شامیان پذیرفتند و بین مردم کوفه پراکنده‌گی ایجاد شد. در این شرایط و هنوز سپاه معاویه بازنگشته بود که وی ضحاک را فرا خواند و به او دستور حمله و ایجاد آشوب و ناامنی را داد.^{۷۰} علی برای مقابله با تهاجم ضحاک، حجر بن عدی را روانه مناطق مرزی با شام نمود و ضحاک چون شنید که حجر به تعقیب او حرکت نموده فرار کرد. یاران حجر نزدیکی غروب آفتاب به نیروهای ضحاک رسیدند و با آنان درگیر شدند و سپاه ضحاک را شکست دادند. نهایتاً شب شد و سپاهیان امام دست از پیکار برداشتند و صبحگاهان اثری از ضحاک و یارانش ندیدند. بعدها ضحاک به

۶۵ همان.

۶۶ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۵۷؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۲، ص ۱۳؛ نهج البلاغه (عبده)، ص ۸۵ متن شعر در نهج البلاغه عبده تفاوت‌هایی جزئی با منابع دارد.

۶۷ الغارات، ج ۲، ص ۶۳۹.

۶۸ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۵۸.

۶۹ نهج البلاغه (شهیدی)، ص ۲۵.

۷۰ الغارات، ج ۲، ص ۴۲۱.

پاس خدماتش به معاویه مدتی به حکومت کوفه هم رسید و در آنجا از حمله در سال‌های قبل یاد نموده و از کشتن عمرو بن عمیس بن مسعود، برادر زاده عبدالله بن مسعود در آن حمله و کشتن وی به دست خود با افتخار یاد می‌کرد.^{۷۱} او در صفین همراه معاویه و از سرداران مطرحش بود^{۷۲} و در زمان خلافت معاویه نیز سالار نگهبانانش گردید.^{۷۳} وی از ولایتعهدی یزید هم به شدت طرفداری نمود^{۷۴} و بعد از بیماری معاویه و مرگ او وصیت‌هایش را به یزید گفت^{۷۵} و بعدها بر ضد مروان بن حکم و به نفع ابن زبیر در درگیری مرج راهط کشته شد.^{۷۶} شروع غارتگری‌ها با حمله اوست و در ادامه سرداران دیگر معاویه مثل نعمان بن بشیر و سفیان بن عوف و عبدالله خصرمی و مخصوصاً بسر بن ارطاه آشفتگی‌ها و ناامنی‌ها و کشتارهایی را در حوزه حکومتی حضرت علی انجام دادند. کشتارهای بسر در این اردوکشی نظامی به حدود سی هزار نفر رسید.^{۷۷}

نتیجه

بر اساس آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با تجزیه و تحلیل سخنان امام علی در نامه ۳۶ و بررسی و تدبیر در حوادث و جزئیات غارتگری‌های سرداران معاویه در قلمرو حکومتی حضرت امیر، همچنین در نظر گرفتن شواهد و قراین، به این نتیجه می‌رسیم که نامه امام به برادرشان عقیل پس از غارت ضحاک بن قیس فهری و در باره آن غارتگری و مقابله سپاهیان علی با آشوبگران شامی نگاشته شده است؛ در حالی که مصححین و مترجمین و برخی از شارحین نهج البلاغه یا به شخصیت مورد نظر امام اشاره‌ای نکرده‌اند و یا شخص غارتگر و سردار معاویه مد نظر امام در نامه را بسر بن ارطاه دانسته‌اند. همچنین زمان انجام حمله سپاهیان معاویه و مقابله سپاهیان امام به سال ۳۸ هجری بوده است؛ در حالی که برخی از مترجمین آن را مربوط به سال ۳۹ می‌دانند.

کتابنامه

- نهج البلاغه، عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۷ ش.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۲.

۷۱. همان، ص ۴۳۷: انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۳۹.
 ۷۲. وقعة الصفین، ص ۳۶۰.
 ۷۳. اخبار الطوال، ص ۲۲۶.
 ۷۴. الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.
 ۷۵. اخبار الطوال، ص ۲۲۶.
 ۷۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۶.
 ۷۷. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۲، ص ۱۱.

- *الکامل فی التاریخ*، ابن اثیر، بیروت: دارصار، 1385 ق / 1965 م.
- *الفتوح*، ابن اعثم کوفی، تحقیق: علی شیری، بی جا: دار الاضواء، الطبعة الاولى [بی تا].
- *الامامة و السیاسة*، ابن قتیبہ دینوری، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الاولى، 1410ق.
- *شرح نهج البلاغه*، ابن میثم بحرانی، بیروت: دار الآثار للنشر دار العالم الاسلامی، بی تا.
- *نهج البلاغه*، جعفر امامی و محمد رضا آشتیانی، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، چاپ اول، 1384ش.
- *نهج البلاغه*، محمد علی انصاری قمی، تهران: انتشارات نوین، [بی جا] [بی تا].
- *انساب الاشراف*، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری، تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، 1974م.
- *تاریخ نامه طبری*، بلعمی، تحقیق: محمد روشن، تهران: سروش، چاپ دوم، 1373 ش.
- *نهج البلاغه*، محمد بهشتی، انتشارات شهریور، چاپ سوم، 1379 ش.
- *الغارات*، ابواسحاق ابراهیم محمد ثقفی کوفی، تصحیح: میر جلال الدین حسین ارموی، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، 1356ش.
- *نهج البلاغه*، محمدتقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم [بی تا].
- *توضیح نهج البلاغه*، سید محمد حسینی شیرازی، دارالعلوم، الطبعة الاولى، 1423ق.
- *منهاج البراهین فی شرح نهج البلاغه*، حبیب الله خوئی، تصحیح: السید ابراهیم میانجی، طهران: منشورات مکتبه اسلامیة، 1389ق.
- *نهج البلاغه*، محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ سی و ششم، 1385ش.
- *اخبار الطوال*، ابو حنیفه احمد بن داود دینوری، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، الطبعة الاولى، 1960م.
- *نهج البلاغه*، مصطفی زمانی، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ چهاردهم، 1378ش.
- *نهج البلاغه منظوم*، محمدحسن سلطانی، مصحح: سهراب اسدی، تهران: انتشارات به آفرین، چاپ دوم، 1379ش.
- *نهج البلاغه*، داریوش شاهین، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، [بی جا] 1361ش.
- *نهج البلاغه*، مهدی شریعتی، انتشارات فرهنگ مکتوب، چاپ اول، 1382ش.
- *نهج البلاغه*، سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، 1372ش.
- *نبرد جمل*، شیخ مفید، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چاپ اول، 1367ش.
- *نهج البلاغه*، علی شیروانی، قم: انتشارات دار العلم، چاپ دوم، 1383ش.

- نهج البلاغه، صالح صبحی، قم: دار الهجرة، الطبعة الخامسة، 1412ق.
- التاريخ الطبری، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث العربی، الطبعة الثانية، 1387ق/1967م.
- نهج البلاغه، کاظم عابدینی مطلق، قم: نشر فراگفت، چاپ دوم، 1382ش.
- نهج البلاغه، شیخ محمد عبده، بیروت: منشورات مؤسسات الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، 1993م.
- نهج البلاغه، حسین عمادزاده، تهران: انتشارات شرف، [بی‌جا] [بی‌تا].
- نهج البلاغه، محسن فارسی، تهران: امیر کبیر، چاپ دوازدهم، 1383ش.
- نهج البلاغه، علی نقی فیض الاسلام، [بی‌جا] [بی‌تا] [بی‌نا] [بی‌جا].
- نهج البلاغه، عزیز الله کاسب، نشر محمد، چاپ دوم، 1379ش.
- نهج البلاغه، اسدالله مبشری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم، 1383ش.
- مروج الذهب و معادن الجوهر، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة، الطبعة الثاني، 1409ق.
- نهج البلاغه، عبد المجید معادینخواه، قم: نشر ذره، چاپ اول، 1374ش.
- نهج البلاغه، محمد مقیمی، تهران: کتابفروشی سعدی، چاپ دوم [بی‌تا].
- وقعة صفین، نصر بن مزاحم منقری، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، الطبعة الثانية، 1382ق، افسست قم: منشورات مکتبه المرعشی النجفی، 1404ق.
- نهج البلاغه، شهاب الدین احمد، نویری، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومية، اول، 1423ق.
- نهج البلاغه، ترجمه حدود قرن پنجم و ششم، تصحیح: عزیز الله جوینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1368ش.
- التاريخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب یعقوبی، بیروت: دار صار، بی‌تا.